

## سهمِ هندوان در گسترش ادبیاتِ فارسی در بنگاله

حافظ محمد طاهر علی\*

در تاریخ ادبیاتِ فارسی ایالت بنگاله نقشی مهمی را ایفا کرده. نام بنگاله با نام حافظ شیرازی به این‌طور پیوسته شده که تا نام حافظ زنده است ذکر بنگاله هم خواهد رفت. آورده‌اند که حافظ این بیت را:

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود      این بحث باثلاثه غساله می‌رود  
به خدمت سلطان غیاث‌الدین فرمانروای بنگاله اهدا نمود و به‌خصوص این شعر  
در باره بنگاله سرود:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند      زین قندِ پارسی که به بنگاله می‌رود

این شعر حافظ نام بنگاله را در دنیای فارسی جاودان ساخت.

بنگاله در زمینه گسترش زبان و ادبیاتِ فارسی یک تاریخ طولانی دارد. زمان ورود فارسی در بنگاله همزمان با ورود اسلام در این سرزمین است و از دوره اختیارالدین بن بختیار خلجی تا تسلط دولت انگلیسی، فارسی زبان رسمی بنگاله بوده. این زبان به سرعت رواج یافت و در محیط اجتماعی به این‌طور نفوذ کرد که در آن زمان هیچ‌کس نبوده که در آن فارسی خوانده نشده. نه فقط مسلمانان بلکه هندوان بنگاله نیز فارسی را دوست می‌داشتند و یاد می‌گرفتند. نه تنها به این علت که فارسی، زبان رسمی این ایالت بود، بلکه مطالب اخلاقی و عرفانی شعر و ادب فارسی توجه هندوان بنگاله را به طرف خود جلب کرد. هندوان بنگاله اشعار حافظ، گلستان و بوستان سعدی و مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی و غیره را همدوش مسلمانان با شوق و ذوق می‌خواندند و لذت

---

\* استاد بازنشسته فارسی دانشگاه ویشو بهارتی، شانتی نکیتان.

می‌بردند. مطالعات ادبیات فارسی تأثیر عمیق در جامعه گذاشت و به این وسیله تحوُّلی فوق‌العاده در محیط اجتماعی بنگاله به وجود آمد. وقتی بود که تحت تأثیر مطالعات

راجه رام موهن روی نه فقط از حیث مدیر مرآة‌الآخبار (قدیمی‌ترین خبرنامه فارسی) معروف است، بلکه از حیث یک مصلح و بانی مذهب «برهمو سماج» هم شهرت دارد.

فارسی هندوان بنگاله طرز و روش مسلمانان را اختیار کردند و لباس مانند مسلمانان می‌پوشیدند. هر مرد باسواد فارسی را بلد بوده. حتی کسی که درس فارسی نمی‌گرفت یک مرد شایسته و مهذب به‌شمار نمی‌آمد. دکتر چینموی دت راجع به‌اثر و نفوذ فارسی می‌نویسند:

”اصل زبان اسلامی که بنگالی را متأثر کرده و غنی‌تر ساخته بدون تردید زبان فارسی بوده. ترک و افغانان یا فرمانروایان مغول که آداب و فرهنگ فارسی را بالعموم فرا گرفته بودند، زبان فارسی را زبان رسمی ساختند و به این‌طور رعایا را به این آداب و فرهنگ معتاد ساختند. فرهنگ فارسی نه فقط در مسلمانان نفوذ کرد بلکه در هندوان هم، به‌خصوص در هندوان طبقه بالا که هم زبان فارسی را اختیار کرده بودند و هم آداب و رسوم فارسی و آئین طبقه اشراف را. خانواده‌های باسواد و روشن فکر حداقل بدون یک کمی استعداد فارسی، تعلیم را نامکمل و غیرمؤثر می‌پنداشتند. نه فقط این بلکه برای گرفتن مقام بلند در جامعه تبخّر کامل در فارسی شرط اولین بوده.“

هندوان بنگاله نه فقط فارسی را یاد گرفتند و آداب و فرهنگ فارسی را فرا گرفتند، بلکه در گسترش زبان و ادبیات فارسی همچنان کارهای پرارزش انجام داده‌اند که ستودنی است. بر محققان پوشیده نیست که نخستین خبرنامه فارسی بنام «مرآة‌الآخبار» در این سرزمین بنگاله انتشار یافت. این هفتگی بوده و شماره اول این خبرنامه بتاريخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ م به‌منصه شهود آمده. اگر گفته شود که نه فقط در بنگاله یا در هند بلکه در سراسر جهان این اولین خبرنامه فارسی بود، شاید نادرست نباشد زیرا که در ایران نیز تا آن وقت هیچ خبرنامه‌ای اجرا نشده بود. راجه رام موهن روی مدیریت این خبرنامه را به‌عهده داشتند. آقای عطا کریم برق درباره این روزنامه این‌طور اظهار نظر می‌کنند:

«مرآة الاخبار» اولین خبرنامه به فارسی در هندوستان بوده و مقصود راجا رام موهن روی از چاپ این خبرنامه تعلیم و بیداری توده مردم بوده. خبرنامه فارسی «مرآة الاخبار» که راجا رام موهن روی آن را اداره و چاپ می‌کرد حتی به کابل و تهران و سمرقند و بخارا می‌رفت و به این نحو راجا رام موهن روی خدماتی بزرگ به زبان و فرهنگ فارسی و اسلامی به انجام رسانید.

«چون لرد هیستنگس (Lord Hastings) در اول ژانویه ماه ۱۸۲۳ م از شغل خود کنار کشید و آدم بجای او متصدی امور سلطنتی شد، و راجع به اجرای خبرنامه‌ها بتاريخ چهاردهم مارس ماه ۱۸۲۳ م انفاذ قانون کرد و آن در نظر راجا رام موهن روی بی‌احترامی و بی‌آبرویی به اخبارنویسی و مطبوعات بوده. در نتیجه آن او تنها اخبارنویس بود که عملاً اقدام کرد و خبرنامه «مرآة الاخبار» را تعطیل کرد. آخرین سرمقاله را رام موهن روی بتاريخ چهارم آوریل سال ۱۸۲۳ م به چاپ رسانید و در نوشتن آن شهامت و شجاعت خود را نشان داد.»

بعضی گمان می‌کنند که اولین خبرنامه فارسی «حبل‌المتین» است که در کلکته چاپ می‌شد، اما این درست نیست. «حبل‌المتین» در سال ۱۳۱۱ هجری منتشر گردید چنانکه محمود نفیسی می‌نویسد:

«یکی دیگر روزنامه‌های منتشر شده در خارج ایران، روزنامه حبل‌المتین است. این روزنامه هفتگی در سال ۱۳۱۱ هجری در کلکته منتشر گردیده است.»

۱۳۱۱ هـ برابر ۱۸۹۴ م می‌باشد در حالی که مرآة الاخبار در سال ۱۸۲۲ م آغاز شد.

علاوه بر مرآة الاخبار خبرنامه‌های دیگر هم تحت مدیریت هندوان در کلکته منتشر می‌شد. خبرنامه‌ای هفتگی به نام «جام جهان نما» در کلکته هر هفته بروز چهارشنبه چاپ می‌شد. «جام جهان نما» نخستین خبرنامه‌ای بود که بتاريخ ۲۷ مارس سال ۱۸۲۲ م به زبان اردو انتشار یافت اما از ۱۶ مه سال ۱۸۲۲ م به زبان فارسی تبدیل شد. لاله سدا سکه مدیریت این خبرنامه را تا سال ۱۸۷۶ م بر عهده داشت.

خبرنامه‌ای دیگر که در کلکته چاپ می‌شد خبرنامه‌ای بود هفتگی به نام «شمس الاخبار» مدیر این خبرنامه ماتهورا موهن مترا و مدیر مطبع منی رام تهاکور بوده. به سال ۱۸۲۳ م آغاز شد و به سال ۱۸۲۷ م تعطیل گردید.

دکتر محمد امین راجع به این خبرنامه می‌نویسند:

«شمس‌الخبار هفتگی را ماتهورا موهن مترا در شهر کلکته به چاپ می‌رسانید،

ماتهورا موهن مترا از اهالی کلکته بود، به زبان فارسی و اردو قدرت و مهارت داشت. وی در سال ۱۸۲۳ م خبرنامه‌ای هفتگی به عنوان «شمس‌الخبار» به فارسی و اردو اجرا کرد و خود مدیریت و انتشار آن را به عهده داشت. پس از چند سال خبرنامه در سال ۱۸۲۸ م تعطیل گردید اما بنا به نوشته محمد عتیق صدیقی خبرنامه «شمس‌الخبار» تحت مسئولیت یک

زبان فارسی نه فقط در جنبه اجتماعی بنگاله بلکه در جنبه مذهبی هندوان بنگاله هم نقش مهمی گذاشت.

نفر دیگر به نام منی رام تهاکور اجرا و مجموعاً دوازده صفحه به چاپ می‌رسید».

راجح رام موهن روی نه فقط از حیث مدیر مرآة‌الخبار (قدیمی‌ترین خبرنامه فارسی) معروف است، بلکه از حیث یک مصلح و بانی مذهب «برهمو سماج» هم شهرت دارد. به منظور ترویج و تبلیغ نظرات خود به فارسی کتابی نوشت به نام «تحفة‌الموحدین» متن این کتاب به زبان فارسی و مقدمه به زبان عربی می‌باشد. این کتابی است خیلی جالب و دلپذیر و پرارزش. در این کتاب راجح رام موهن روی درباره وحدانیت حق نظر خودش را ابراز نموده زیرا که او موحد بوده و چون در عربی و فارسی و دیگر علوم اسلامی مانند فلسفه اسلام و علم کلام و مسائل تصوف ید طولی و مهارت تامه داشت از این علوم خیلی استفاده برده. نه تنها راجح رام موهن روی بلکه دیگر مبلغان «برهمو سماج» هم از این زبان استفاده کردند.

کیشب چندر سین که یکی از شامخ‌ترین مبلغان «برهمو سماج» بوده از دوست و هم مشرب خودش آقای گریش چندرا سین تقاضا نمود که کتابهای اخلاقی و عرفانی فارسی را به زبان بنگالی ترجمه کند تا در زمینه تبلیغات مذهب «برهمو سماج» ممد و معاون بشود. گریش چندرا سین که به زبان فارسی تبحر کامل داشت به موجب این فرمان گلستان و بوستان سعدی، تذکرة‌الاولیا از خواجه فریدالدین عطار، دیوان حافظ و برخی از مکتوبات شیخ شرف‌الدین یحیی منیری و کتابهای دیگر را به زبان بنگالی ترجمه کرد و به چاپ رسانید. به این نحو زبان فارسی نه فقط در جنبه اجتماعی بنگاله

بلکه در جنبه مذهبی هندوان بنگاله هم نقش مهمی گذاشت و کسانی مانند گریش چندرا سین دارای این افتخار هم می‌باشد که پیش از مسلمانان بنگاله قرآن مجید را نخستین بار به زبان بنگالی ترجمه کرد و بر این سبب او را زبردست مولوی می‌گویند.

مهراجه کلیان سینگ عاشق، پسر مهراجه شتاب روی در اواخر قرن هجدهم میلادی تحت کمپانی هند شرقی سمت دیوانی و نظامت ایالت بیهار منصوب بود. پس از این به کلکته وارد شد و اینجا بیش از سی سال اقامت کرد چنانکه خودش می‌گوید:

مدت سی سال شد هستم به کلکته مقیم تا که گویم ای عزیزان حال زار خویشتن

او یک شاعر و نویسنده بزرگ فارسی بود. طی اقامت در کلکته کارهای گرانمایه در نظم و نثر فارسی انجام داد. یکی از مثنوی‌های که در کلکته نوشت «تاریخ زیبا» است که دارای هشت هزار بیت می‌باشد. در تتمه این مثنوی عمر خودش را به این‌طور بیان می‌کند:

تمام این مثنوی شد در دو سه ماه شد آخر داستان الحمد لله

تمامی داستان چون کردم انشا نهادم نام او تاریخ زیبا

گذشت از عمرم اکنون شصت و شش سال بود ضعف و نقاهت عائد حال

این مثنوی بتاريخ ۲۵ ذی‌الحجه ۱۲۳۱ هجری قمری برابر ۱۸۱۵ م به‌مقام لورچست‌پور کلکته به‌اختتام رسید. از این رو سال ولادتش ۱۱۶۵ هجری قرار می‌گیرد اما دکتر منصور عالم به این تاریخ متفق نیستند و به‌طبق تحقیقاتش سال ولادتش ۱۱۶۲ هجری برابر ۱۷۴۹ م می‌باشد چنانکه از یک اقتباس عجائب‌الواردات تألیف مهراجه کلیان سینگ هم برمی‌آید.

علاوه بر این او کتابهای زیادی به‌نثر و نظم فارسی تألیف کرد که بیشتر آنها در بحر فراموشی غرق شده. برخی از تألیفاتش به‌قرار ذیل می‌باشد:

خلاصه‌التواریخ، عجائب‌الواردات، مجموعه قصاید فارسی، عجائب‌البلدان،

تاریخ زیبا، جدیدالسیر و غیره.

لاله کهیم نرائن رند از دهلی به کلکته آمده بود و کتابی مهمی به‌نام «فتوحات حیدری» تألیف کرد. او هم شاعر خوشگو بوده و به‌زبان فارسی وارد بود و شعر می‌سرود. همین‌طور جئی گوپال ترکانکار (۱۸۷۶-۱۷۷۲ م) لغت‌نامه فارسی بنگالی تألیف کرد که خیلی پرارزش می‌باشد.

می‌گویند که جنم جئی مترا ارمان مؤلف «تذکره نسخه دلکشا» نه فقط به زبان اردو و فارسی مسلط بوده بلکه به زبان اردو و فارسی شعر هم می‌سروده. علاوه از این سخنورانی بودند که از نقاط و نواحی هندوستان به کلکته وارد شدند و اینجا اقامت گزیدند مانند لاله کهیم نرائن رند، شیو پردهان بهادر ثاقب و منشی دولت رام شوق و بهوری سینگ مشرب و غیره. مهاراجه شیو پردهان جئی گوپال سینگ بهادر ثاقب شاعر چیره‌دست بوده. اصلاً مولد و میهن وی کانپور بود و اما در کلکته زندگانی می‌کرد.

**پدر تاگور (دیندرا نات تاگور)  
دیوان حافظ را کاملاً یاد گرفته  
بود و به این سبب او را حافظ  
حافظ می‌گفتند.**

شاعر دیگر منشی دولت رام شرق نیروه راجه بهولا نات با دربار واجد علی شاه منسلک بود. چون واجد علی شاه بعد از معزول شدن به کلکته رسید او هم با همراهی شاه به کلکته آمد و اینجا سکونت اختیار کرد. در اردو و فارسی به دو زبان شعر می‌سرود.

نادم برادر خورد منشی میدو لال زار به لکهنو تعلق داشت. دوتا دیوان اردو و یک دیوان فارسی از او یادگار مانده. در رفاقت واجد علی شاه زندگانی کرد و در سال ۱۲۹۱ هجری در کلکته چشم از جهان فرو بست.

اجاگر چند الفت از متوسلین ناظم بنگاله بود. همین‌طور بهوری سینگ مشرب که میهنش اکبرآباد بود چندی در مرشدآباد، ایالت بنگاله به سربرد. این دو شعر ازوست:  
ندیده‌ایم رخس آن‌قدر که روز جزا    توان شناخت که این ظالم است قاتل ما  
ز جنگ کردنت ای ترک جنگجو! شادیم    که گاه‌گاه شوی زین سبب مقابل ما  
تعداد شعرا و نویسندگان هندو که در بنگاله می‌زیستند و به ادبیات فارسی خدمات مهمی انجام داده‌اند خیلی زیاد می‌باشد و اسامی آنان در صفحات تذکره‌ها ثبت‌اند.  
ذکر همه این شاعران و نویسندگان برجسته اینجا ممکن نیست، لهذا صرف‌نظر می‌شود اما به نظر لازم می‌آید که حداقل تعلق خانواده تاگور را به ادبیات فارسی اینجا تذکر باید داد.

خانوادهٔ رایبندرا نات تاگور به ادبیات فارسی تعلق خصوصی داشت. پرنس دوارکا نات تاگور که جدّ رایبندرا نات تاگور بود روزنامه‌ای اجرا کرده بود به نام «بنگادوت». این روزنامه دارای یک صفحهٔ فارسی هم بود و در آن صفحه دستور و فرمانهای دولت انگلیسی و اعلام استخدام و غیر آن چاپ می‌شد. پدر رایبندرا نات تاگور که پیرو مذهب «بره‌مو سماج» بود و با راجه رام موهن روی بیعت کرده بود، حافظ شیرازی را خیلی دوست می‌داشت. وی در زندگینامهٔ خود می‌نویسد که چون من بر کوه همالیا رفته بودم آنجا هر روز تا نصف شب نغمه‌های «بره‌مو سماج» و اشعار حافظ را با ذوق و شوق فراوان می‌خواندم. باید یادآوری شود که در این سفر رایبندرا نات تاگور همراه پدر خود بود و امکان قوی دارد که از زبان پدرش اشعار حافظ را شنیده و تأثیر پذیرفته باشد. پدر تاگور (دیبندرا نات تاگور) دیوان حافظ را کاملاً یاد گرفته بود و به این سبب او را حافظ حافظ می‌گفتند. او طی صحبت با دوستان یا در نامه‌های خود از اشعار حافظ به مناسبت موقع و محلّ بخوبی استفاده می‌کرد. این یک نکته‌ای به‌جا است که دیبندرا نات تاگور به حافظ چنان عشق می‌ورزیده که حتی به وقت عبادت هم حافظ را فراموش نکرده و در حین عبادت با اپانیشاد اشعار حافظ هم می‌سروده. روی آن زنگ (bell) که دیبندرا نات به وقت عبادت می‌زد این شعر حافظ نوشته است:

مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم

جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها

این زنگ در موزهٔ تاگور در شانتی نکیتن هنوز نگهداری می‌شود. یک بار دیبندرا نات به بنارس سفر کرد. راجع به این سفر می‌نویسد:

”من یک قایق اجاره کردم و به سوی بنارس روانه شدم. ناگاه جزر و مد رود گنگا آغاز شد و امواج مد و جزر قایق را اینطرف و آنطرف تکان می‌داد. من به خدا رجوع کردم و به سوی آسمان نگاه کرده گفتم:

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز    باشد که باز بینیم آن یار آشنا را

باری زندگیش از این حادثه سلامت ماند. او به این حادثه اشاره کرده می‌نویسد:

”آن روز زندگانی من سلامت ماند، اما رهن دهر نمی‌خواهد... اگر امروز

نمی‌دزدد، فردا خواهد دزدید.“

و پس از آن از این شعر حافظ استشهاد می‌کند:  
 رهنز دهر نخفته‌ست مشو ایمن ازو اگر امروز نبرده‌ست که فردا ببرد  
 این هم گفته می‌شود که هنگام مرگ از پیروان خود خواهش کرد که اولین غزل  
 دیوان حافظ که با این مطلع آغاز می‌شود:  
 الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها  
 را پیش او بخوانند.

پسر نامدار او رابیندرا نات تاگور نیاز به معرفی ندارد. او اولین کسی در آسیا بود که به گرفتن جائزه نوبل نایل شد. او نه فقط یکی از شامخ‌ترین شاعران جهان بوده بلکه از حیث داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی و مصوّر و موسیقی‌دان و ماهر آموزش و فرهنگ هم شهرت جهانی دارد. گرچه تاگور با حافظ و رومی به وساطت پدر خود آشنایی داشت و خیلی تأثیر پذیرفته بود. بدین سبب فارسی را بسیار دوست می‌داشت. اگر کلام تاگور را به‌دقت بررسی کنیم این نکته روشن می‌شود که محتوای کلام تاگور به کلام حافظ و رومی مشابهت و مماثلت بسیار دارد. آقای روان فرهادی مقاله‌ای نوشته‌اند راجع به تاگور و مولانا جلال‌الدین رومی و در این مقابله نظرات عرفانی این هردو شاعر بزرگ را نشان داده‌اند. ضمناً ذکر می‌شود که روان فرهادی گیتانجلی را هم به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. دلیل فارسی دوستی تاگور این هم است که او به سعی بسیار رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه ویشوابارتی، شانتی نکیتن تأسیس نمود. دولت ایران آقای پورداوود را برای یک مدت کوتاه در این رشته فرستاده بود. ضیاءالدین امریتسری که آن وقت از این رشته وابسته بودند، این فرصت را غنیمت شمردند و با همکاری آقای پورداوود صد نظم تاگور را به زبان فارسی ترجمه کردند که به نام «صدبند تاگور» از دانشگاه ویشوابارتی چاپ شده است. در این رشته آقای بکرماجیت حسرت آثار فارسی داراشکوه را مورد مطالعه خودش قرار دادند و کتابی تألیف کردند بنام «داراشکوه... زندگانی و آثار او». همین‌طور آقای نرود بوشن روی که وقتی ریاست رشته فارسی را به عهد داشتند یک تاریخ فارسی به نام «مخزن افغانی» را به زبان انگلیسی ترجمه کردند و این نیز ازین دانشگاه به چاپ رسیده است.



از سوی دیگر هندوان با قریحه و دوستداران فارسی مثل گریش چندر سین هم بودند که آثار منظوم و منثور فارسی را به بنگالی ترجمه کردند. تعداد این هندوان خیلی زیاد است و به خوف طولانی شدن از ذکر همه آنها فعلاً خودداری می‌شود الاً فقط اسامی چند تن که به قرار ذیل می‌باشند:

۱. چاندی چَرَن منشی که در سیرام‌پور کلکته سکونت داشت «طوطی‌نامه نخشبی» را به نام «طوطا آتھاس» ترجمه کرد.
۲. دوارکا نات گوویندو «گل و صنوبر» را ترجمه نمود.
۳. دوارکا نات روی «بهار دانش» را ترجمه کرد.
۴. مهیش چندرا مترا و دوارکا نات روی «لیلی و مجنون» را ترجمه کرد.
۵. اوما چَرَن مترا و بران کریشنا مترا «گل بکاؤلی» را ترجمه کرد.
۶. کانتی چندر گھوش «رباعیات عمر خیّام» را ترجمه کرد.
۷. کانتی چندر گھوش «غزلیات حافظ» را ترجمه نمود.
۸. هندوان دیگر که «غزلیات حافظ» را به زبان بنگالی ترجمه کردند کسانی‌اند همانند کیشَب چندر سین.
۹. ستیندرا نات دت.
۱۰. گریش چندرا سین و...

حالا بدون اندیشه تردید می‌توان گفت که خدمات هندوان در گسترش ادبیات فارسی در بنگاله خیلی رفیع، پرارزش و دامنه‌دار است. فهرست این خدمات ارزنده این‌قدر طویل است که می‌توان در این مقاله کوچک به همه آنها پرداخت. هرچه گفته شد فقط مثنی نمونه است از خرواری:

قیاس کن ز گلستان من بهار مرا...